



مصاحبه‌ی سیاسی!!



گفت: جناحی که همه چیزش آزاده مثل: لواس آزاد ۲۵ تومان، تخم مرغ آزاد ۷۵ تومان، سنگک آزاد ۸۰ تومان - بربری آزاد ۱۰۰ تومان، قند آزاد ۸۰۰ تومان، روغن نباتی آزاد ۱۰۰۰ تومان، مرغ آزاد ۱۵۰۰ تومان، گوشت آزاد ۴۵۰۰ تومان، آموزشگاه آزاد ۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان، دبیرستان آزاد ۳/۰۰۰/۰۰۰ تومان، دانشگاه آزاد ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان، پزشکی آزاد ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان، حقوق کارمند آزاد! ۸۰/۰۰۰ تومان، بیمارستان آزاد، چک سفید، دلار آزاد، پوند آزاد، نفت آزاد، بلیط آزاد و همین جوری داشت «آزاد»، «آزاد» می‌کرد که من صحبتش را قطع کردم و گفتم:

بابا انتخابات پیشکشت. خر ما از کُرگی دُم نداشت.

با لب خندی پیروزمندانه و نگاهی عاقل‌اندر سفیه، بادی به غب غب انداخت و گفت: «از اولش هم می‌دانستم که تو از سیاست چیزی نمی‌فهمی.» !!

«هک»

گفتم: نظر شما راجع به انتخابات پیش رو چیست؟

- جوابی نداد.

گفتم: نمایندگان مردم! به جنب و جوش افتاده‌اند.

- باز هم سکوت!

گفتم: پرچم‌های انتخاباتی دارند بالا می‌روند.

- بابی تفاوتی شانه‌هایش را بالا انداخت.

گفتم: سیورسات و شام و ناهار مجانی راه افتاده

- آبی که در دهانش جمع شده بود، فرو داد.

گفتم: بی چاره! مگر تو آینده نگر نیستی؟

زبان باز کرد و گفت: نقدی را بچسب، نسیه پیشکشت.

گفتم: مگر تو به سرنوشت مملکت علاقه‌مند نیستی؟

- انگشتش را به علامت سکوت روی بینی‌اش گذاشت.

گفتم: پس چه جوری فکر می‌کنی؟

گفت: همین جوری که می‌بینی.

گفتم: مگر تو شهروند این مملکت نیستی؟

گفت: خواهم شد.

گفتم: چرا پرت و پلا می‌گی؟

گفت: می‌خواهم «آزاد» باشم.

گفتم: اصلاً معنی «آزادی» را می‌دانی؟

گفت: منشور آزادی را خوانده‌ام.

گفتم: پس معنی انتخابات «آزاد» را می‌فهمی؟

گفت: کلمه‌ی «آزاد» را خوب می‌فهمم.

گفتم: پس آخرش به حرف من رسیدی؟

گفت: از اولش هم به حرفم رسیده بودم.

گفتم: حالا که از سیاست خبر داری بگو بینم «حقوق مدنی یک شهروند» چیست؟

گفت: «آزاد»

گفتم: منظورت «آزادی» است؟

گفت: منظورم «آزاد» است.

گفتم: در انتخابات پیش رو کدام جناح برنده می‌شود؟

گفت: جناح «آزاد»

گفتم: جناح «آزاد» دیگر چه جناحی؟